Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 4, Winter 2023, 53-72
DOI: 10.21859/priw-130403

# An Introduction to the Political Thought of Neo-traditionalism With the recitation of Seyed Hossein Nasr

**Hosein Monsef**[1] **Shoja Ahmadvand**[2]

**Date of Received**: 2023/06/18 **Date of Acceptance**:2023/11/24



## Abstract

Recognizing and evaluating the currents of knowledge that carry political trends is one of the concerns of contemporary thinkers, and stepping in the path of this evaluation is impossible without theoretical reflection and effort to understand it. Among the currents of knowledge in the present era, there is the discussion of tradition, traditionalism, and neo-traditionalism. In order to enter into the discussion of tradition, according to the traditionalists, one should pay attention to the set of facts that include history, geography and philosophy. Traditionalists creditably relate the history of their reflections to the scope of human history. Therefore, we are faced with a kind of people of knowledge, from which political thought is extracted from this knowledge.

Seyyed Hossein Nasr is also among those who are interested in the votes of these people and are trying to expand the traditional worldview. As a neo-traditionalist thinker, he has another exploration in this term.

In the opinion of neo-traditionalists like Nasr, this knowledge has a divine origin and is focused on sacred knowledge, which is placed in the gem of tradition, and what is important for them are the benefits and fruits of tradition in life. This research is trying to discover the political thought of neo-traditionalists such as Nasr and to extract politics from the heart of the tradition that has divine origin in order to examine the

1. Master's degree, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.(responsible Author) , shojaahmadvand@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

benefits and fruits that neo-traditionalists say about it in the field of politics. . to get
Knowing the dimensions and coordinates of neo-traditionalism and discovering Nasr's political thought as a prominent neo-traditionalist thinker and understanding the differences and commonalities between traditionalism and neo-traditionalism is the main goal of this research.
The main question of our research is how to draw the political thought of Seyed Hossein Nasr as the most prominent neo-traditionalist thinker? And how can the origin and general coordinates of Nasr's new traditionalism be represented according to his philosophical logic and how can his political thought be depicted?
Our hypothesis is based on the fact that Seyyed Hossein Nasr's political thought was formed in the form of negation of modernity and criticism of popular political-religious traditionalism on the basis of the philosophical tradition of Hikmat Khaleda in the form of opposition to modernity on the one hand and criticism of political Islam on the other. Our other assumption is that the origin of Nasr's neo-traditionalism crystallized in the theory of Hekmat Khaleda, and it had the characteristics of responding to the crisis of modernity and eliminating the defects of the popular political-religious traditionalism. Seyyed Hossein Nasr's political thought was based on the foundation of anti-modernity, criticism of traditionalism, and criticism of the political Islamic discourse, and was represented politically in the form of the theory of monarchy. Our information gathering methods will be based on the type of research, library and document collection, and our main method in this research is exploratory. As its name suggests, this method seeks to explore (the political thought of neo-traditionalists and Nasr) the things that happen and questions about them. This method is especially useful when there is sufficient knowledge about a phenomenon. does not exist Therefore, the exploratory method can lead to a decision about whether the topic is worth researching or not.

**Keywords:** Political Thought , tradition, traditionalism, neo-traditionalism,Seyed Hossein Nasr



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲، صص ۷۲ – ۵۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۴۰۳

# درآمدی بر اندیشه سیاسی نوسنت‌گرایی :قرائتی از سید حسین نصر

**حسین منصف**[۱]
**شجاع احمدوند**[۲]

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳**

## چکیده

شناخت و سنجش جریان های معرفتی که گرایش های سیاسی را با خود به همراه دارد یکی از دغدغه های اندیشمندان معاصر است و گام نهادن در مسیر این سنجش، بدون تامل نظری و کوشش در فهم آن، تمنایی محال است. از جریان های معرفتی در عصر حاضر، بحث سنت (Tradition) ، سنت گرایی ( Traditionalism) و نو سنت گرایی (Neo-traditionalism) است. برای ورود به بحث سنت باید طبق گفته سنت گرایان به مجموعه ی حقایقی که شمول تاریخی، جغرافیایی و فلسفی دارد، توجه کرد. سنت گرایان به اعتباری، سابقه تاملاتشان را به گستره ی تاریخ بشری مرتبط می سازند. لذا ما با نوعی اهل معرفت مواجه هستیم که از درون این معرفت، اندیشه سیاسی استخراج شده است.
سید حسین نصر نیز از جمله کسانی است که با علاقه به آرای این افراد ، سعی در گسترش جهان بینی سنتی دارد. وی به عنوان اندیشمندی نو سنت گرا ، کندکاوی دیگر در این اصطلاح دارد.
در نظر نو سنت گرایانی چون نصر این دانش منشایی الهی دارد و معطوف به علم قدسی است که در گوهره ی سنت قرار می گیرد و آنچه برای آنان اهمیت دارد، فواید و ثمرات سنت در زندگی است. این پژوهش در تلاش است تا بتواند به کشف اندیشه سیاسی نوسنت گرایانی همچون نصر دست یابد و سیاست را از دل سنتی که منشایی الهی دارد، استخراج کند تا با بررسی آن، به فواید و ثمراتی که نو سنت گرایان از آن می گویند در زمینه سیاست به دست آوریم.
شناخت ابعاد و مختصات نو سنت گرایی و کشف اندیشه سیاسی نصر به عنوان اندیشمند شاخص نو سنت گرا و درک نقاط افتراق و اشتراک سنت گرایی با نو سنت گرایی هدف اصلی این پژوهش است.
سئوال اصلی تحقیق ما این است که چگونه می توان اندیشه سیاسی سید حسین نصر به عنوان شاخص ترین متفکر نو سنت گرا را ترسیم کرد؟ وخاستگاه و مختصات عمومی جریان نو سنت گرایی نصر را با توجه به منطق فلسفی او چگونه می توان بازنمایی کرد و اندیشه سیاسی وی را چگونه می توان تصویر کرد؟
فرضیه ما بر این امر استوار است که اندیشه سیاسی سید حسین نصر در قالب نفی مدرنیته و نقد سنت گرایی سیاسی- مذهبی رایج بر بستر سنت فلسفی حکمت خالده در هیات ضدیت با مدرنیته از سویی و نقد اسلام سیاسی از سوی دیگر شکل گرفت. فرض دیگر ما این است که خاستگاه نو سنت گرایی نصر در نظریه حکمت خالده تبلور یافت، و دارای خصالی چون پاسخ به بحران مدرنیته و رفع نقایص سنت گرایی سیاسی- مذهبی رایج بود. اندیشه سیاسی سید حسین نصر از خلال حکمت خالده و بر بنیاد ضدیت مدرنیته، نقد سنت گرایی رایج و نقد گفتمان اسلام سیاسی استوار بود و به لحاظ سیاسی در قالب نظریه سلطنت بازنمایی شد. شیوه های گردآوری اطلاعات ما بر اساس نوع پژوهش، کتابخانه ای و جمع آوری اسناد و مدارک خواهد بود و روش اصلی ما در این پژوهش اکتشافی است. این روش همان طور که از نام آن مشخص است به دنبال اکتشاف (اندیشه سیاسی نو سنت گرایان و نصر) چیز هایی است که رخ می دهد و پرسش در مورد آن ها است.این روش به ویژه زمانی مفید است که درباره یک پدیده شناخت کافی وجود ندارد. بنابر این روش اکتشافی می تواند به تصمیم گیری در مورد این که آیا موضوع مورد نظر ارزش تحقیق دارد یا خیر بیانجامد.

**واژه‌های کلیدی:** اندیشه سیاسی، سنت، سنت‌گرایی، نوسنت‌گرایی ، سیدحسین نصر

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران،ایران، h.monsef@atu.ac.ir
۲. دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران،تهران،ایران. (نویسنده مسئول)
shojaahmadvand@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

## مقدمه

علم سیاست به عنوان یکی از حوزه‌های معرفت بشری، همواره عرصه تجزیه و تحلیل اندیشمندان بوده است و به مثابه ابزاری کارآمد برای برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی انسان مورد بهره برداری واقع شده است. از شاخه‌های اصلی این علم اندیشه سیاسی جایگاه مهمی دارد. برخلاف تاریخ اندیشه‌های سیاسی که به سیر تاریخی نظر دارند، اندیشه و فلسفه سیاسی درصدد تبیین ماهیت، دلایل و تأثیر وجودی مفاهیم علم سیاست است. بی‌گمان گذر تئوریک علوم بشری از سیاست قدیم به سیاست مدرن و به دنبال آن تغییر کار ویژه‌های مرتبط با آن نقش اساسی در حیات فکری و اجتماعی بشر داشته است. در این میان تحول مفاهیم نیز از محوری ترین موضوعات اندیشه سیاسی است که سنگ بنای تحلیل‌های علمی و آکادمیک را فراهم می‌کند. سنت یکی از مهمترین این مفاهیم است که در گذر زمان تغییرات زیادی پیدا کرده گاهی آن را پیشینه دینی می‌نامند، گاهی آن را گذشته ملی تلقی میکنند و گاه برداشت‌های حتی نوین‌تری برای آن قائل هستند.

در نگاه دینی نیز البته تنوعات زیادی در مورد سنت هست چنانچه از سنت اسلامی، مسیحی، یهودی، هندو، پروتستان، شیعی، سنی و... سخن به میان آمده است. سنت‌گرایی اسلامی همانند سایر جنبش‌های دینی ، سنت‌گرایی یهودی، کاتولیک و پروتستان واکنشی به مدرنیسم و گاها بنیادگرایی و ... است. این جنبش‌های مذهبی در حمایت از سنت‌های خاص خود و مرجعیت رهبرانی همچون پاپ به مخالفت آشکار با مدرنیسم پرداختند. سنت‌گرایی برای نقد مدرنیسم به دنبال معیارهای عام نمی رود بلکه از درون سنت، آن را نقد می‌کند. سنت‌گرائی به جای حذف سنت و دین، به احیای آنها می‌پردازد و ضمن بیان آسیب‌های مدرنیته، داروی سنت‌گرایی را پیشنهاد می‌دهد. این جریان با تأکید بر عرفان اسلامی و آئین‌های شرقی، در صدد حل معضلات دنیای جدید است (لگنهاوزن، ۱۳۸۲: ۸۳).

سید حسین نصر از جمله فلاسفه‌ای است که در عصر حاضر به دفاع از سنت، حکمت جاویدان و امر قدسي اهتمام دارد. نگاه و باور نصر به این موضوع، او را در مسیر پروژه اي فكري قرار داده است که از وي به عنوان انديشمندي قابل توجه در جهان غرب یاد مي شود. او در سرزمین عرفیات جدید به جدال با مدرنیته مشغول بوده و راه نجات انسان دنياي مدرن را بازگشت به سنت و معنويت مي‌داند. كشاكش معرفتي نصر در اين گستره، او را هم به نظريه‌پردازي و رهبري مكتب فكري كشانده، و هم با ارائه كلياتي جامع از پروژه دين ، مذهب و شريعت، به دريافت و بازخواني باورهايي مشغول است كه احياي آن را مايه نجات انسان در دنياي مدرن مي‌داند. او البته به صراحت به نظام سیاسی مطلوبی که مایه نجات بشر در

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

عصر مدرن است، اشاره نکرده است. اما تشکیل حکومت را ضروری می‌داند و دین اسلام را به عنوان دین جامع می‌پذیرد. از این رو به نظام سیاسی در اسلام اعتقاد دارد و معتقد است دو هجوم اساسی باعث دور شدن سیاست از دین شده که یکی حمله مغول و دیگری حمله غرب که تأثیر دومی در تخریب و انهدام بسیاری از نهادهای سنتی از حمله مغول ویرانگرتر بوده است.

در انتهای این مقدمه اشاره به این نکته نیز لازم است که این مقاله به دنبال ارائه پاسخ معتبر به این پرسش است که خاستگاه جریان فکری نوسنت‌گرایی و اندیشه سیاسی برجسته‌ترین متفکر آن سیدحسین نصر را با توجه به منطق فلسفی او چگونه می‌توان بازنمایی کرد؟ در پاسخ به این پرسش برای جهت‌دهی به پژوهش، این فرضیه ارائه شده است که خاستگاه نوسنت‌گرایی نصر در نظریه حکمت خالده تبلور یافت و اندیشه سیاسی او در قالب ضدیت با تجدد ازسویی و نقد اسلام سیاسی از سوی دیگر بازنمایی شده است.

## ۱. چیستی سنت و سنت گرائی

۱-۱. چیستی سنت: واژه سنت از واژه لاتینی traditio به معنای واگذاری گرفته شده است. در سنت مسیحی این اصطلاح برای نشان دادن مجموعه تعالیمی به کار رفته است که به واسطه کلیسا منتقل می‌شد. واژه سنت به لحاظ اصطلاحی به امر ایستا اطلاق می‌شد که در نتیجه ابداع و نوآوری های جدید، از گذشته بر جای مانده است (اصلان، ۱۳۸۵: ۹۸). درواقع وجه اساسی مفهوم سنت، گرایش به حفظ وضع موجود و مقاومت در برابر دگرگونی است( افشار کهن،۱۳۸۳: ۱۱). به دلیل همین ثبت و دگرگونی‌ناپذیری است که سنت را امری با منشا الهی دانسته که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است(خندق آبادی، ۱۳۸۰: ۱۹۵). البته واقعیت آن است که مفهوم سنت نیز مانند مفهوم دین نمی‌توان ذیل تعریف واحدی تصویر کرد. گویا سنت‌گرایان مورد نظر ما در این مقاله سنت را ذیل معنای اصطلاحی و رایج آن به‌سان امر مقدس و برگرفته از سرچشمه دین می‌دانند. در راستای این برداشت از سنت است که مارکوپولوس سنت را چیزی بیش از یک رسم و عادت و در معنائی متعالی به کار می‌برد. او سنت را امری ذاتی و فرافردی می‌داند که حداقل چهار خصلت دارد: وجود وحی الهی به عنوان منبع الهام، وجود جریانی از برکت و فیض الهی در آن، به لحاظ ماهیت روش بودن سنت برای تحقق، و تجسم آن در آراء، عقاید و ابعاد وجودی انسان (اعوانی،۱۳۸۲: ۱۲-۱۳). در مجموع این برداشت، سنّت را با ویژگی‌هایی چون گذشته‌گرایی، تاریخییت، موروثییت، محافظه‌کاری، قدسیت، هویت‌مندی و ترویج بینش‌ها و نگرش‌های خاص برای فهم دنیا معرفی می‌کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام





[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

اما برای درک معنایی که رنه گنون از چهره‌های شاخص سنت‌گرایی از سنت داشت، لازم است که درنگی در معنای لغوی سنت (tradition) داشته باشیم. سنت در لغت به معنی "آنچه انتقال داده می‌شود" است (الیاده، مدخل سنت). در این معنا، سنت مجموعه حقایقی است که دارای منشأ الهی هستند و با واسطه وحی الهی در اسطوره‌ها، آیین‌های مذهبی، نمادها و آموزه‌ها و سایر ظهورات تمدن دینی و اولیه به تصویر در آمده است. در این معنا سنت، تغییرناپذیر و بدون صورت نیست، بلکه صورت‌مند است و با صورت نیز منتقل می‌شود و به دلیل داشتن صورت نمی تواند حقایق مطلق را جلوه گر کند بلکه حقایق جزئی و نسبی را منتقل می کند. زمانی که مغرب زمین هنوز گرفتار مشکلات پر تلاطم امروزی نشده بود و با اطمینان زیاد به آینده خویش ، در حال از بین بردن بقایای سنن معنوی خود و سایر تمدن های جهان و نیز به فکر استیلای خود در جهان بود، شاهد جوانه زدن جریانی بودیم که اصل مبانی فکری تمدن غرب را هدف حمله های خود قرار داد. سنت گرایی، جریان روشنفکری دینی بود که در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و با اندیشه نوظهور تجدد به مقابله برخاست و تجدد را با شدیدترین انتقادها به چالش کشید. در این میان رنه گنون، در نقابل اندیشه مسلط غرب یا تجدد غربی، انسان، جامعه و جهان را بر اساس مبانی معرفتی خاصی تفسیر کرد که در آن نظام هستی، معرفت و نظام بشری مبتنی بر سلسله مراتب عمودی واقعیت است که در این زنجیره، مراتب پایین تر، هستی خویش را از مراتب بالاتر یافته اند و بدان متصل شده اند. با این نگاه، گنون کلیه آثار خویش را با رویکرد عرفانی خاص خود، تحت الشعاع قرار داده و در علم، عقل، فلسفه و حوزه های اجتماعی وارد شد. (رحیمی سجاسی و عطوفی، ۱۳۹۳). باری، سنت‌گرایی جزئی از جریان های روشنفکری دینی و مظهر تمام گرایش های آگاهانه است که از اوایل قرن بیستم، در برابر مدرنیته و در جهت برون رفت از بحران ها و آشوب های حاصل از آن، شکل گرفت. این جریان که تا به امروز، شاخه های متعددی داشته است، با رنه گنون بنیان گذاری شد به طوریکه او را پدر سنت گرایی می‌خوانند.

۲-۱. چیستی سنت‌گرائی: اما سنت گرایی، مجموعه ای حقایقی است که شمول تاریخی و جغرافیایی داشته و انسان ها در ادوار مختلف تاریخی و مناطق جغرافیایی به آن باور داشته‌اند. سنت گرایی را می توان در علوم و معارف اقوام ابتدایی نیز یافت و اشکال متکامل تر آن را در ادیان بزرگ جهانی ردیابی کرد. سنت گرایی، به عنوان گرایش آگاهانه با عقاید مغایر با عقاید انسان متجدد، با کمک رنه گنون، عالم، حکیم و عارف فرانسوی و آناندا کومرسوامی، هنرشناس و حکیم سیلانی، هویت و موجودیت مستقلی یافت و بعد ها با کوشش‌های متفکرانی مانند فریتیوف شووان، تیتوس بورگهارت، هیوستون اسمیت، مارتین

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام


[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

لینگز، سید حسین نصر و مارکو پالیس، در ساحت‌های نظری و به‌ویژه هنر، پرورده شد و به جریانی تمام عیار تبدیل شد. سنت‌گرایي به معناي عام شامل هرگونه عکس‌العمل نسبت به پديدارهاي دنياي مدرن مي شود. اما سنت‌گرايي به معناي خاص جنبشي فکري است متأثر از آراي رنه گنون، آناندا کومرسوامی، فريتيوف شوان و سيد حسين نصر است. در اين ديدگاه مراد از سنت حقايق يا اصولي است که از طريق شخصيت‌هاي معروف به رسولان، پيامبران يا ديگر عوامل انتقال، براي انسان و بخشی از کيهان آشکار شده و نقاب از چهره هاي آنها برگرفته شده است. کاربرد این حقایق و اصول در ساختارهای مختلف اجتماعي، حقوقي، هنری، علمی و نشانه شناسی موجب تحصیل معارف مربوطه برای انسان می‌شود (نصر، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

۱-۳. تفاوت سنت و سنت‌گرايي: مصطفي ملکیان در خصوص این تفاوت توضیح می‌دهد که سنت چيزي است و سنت گرايي چيز ديگري. اگر ما به همان چشمي که به قرآن يا به اوپانيشادهاي هندو نگاه کنيم، به يک فسيل يا به اشيايي که در يك موزه هست يا تکه‌سنگ نگاه کنيد يا يك گياه‌شناس به گياه نگاه کند ،در اين صورت موضوع مورد مطالعه شما سنت است ولي اين شخص ضرورتاً سنت گرا نيست. قبل از اختراع خط و وجود مکتوب کتاب مقدس، اين سنت‌ها در قالب اسطوره‌هايي سينه به سينه نقل مي‌شد و پدران و مادران آنها را به فرزندان خود انتقال مي‌دادند. ولي امروزه انتقال شفاهی در متون مقدس اديان و مذاهب کمتر شده و اين ديدگاه موجب ظهور سنت گرايي شد (ملکیان، ۱۳۷۹: ۱۹). به‌زعم ملکیان فرق انسان سنتی با انسان سنت‌گرا در این است که اولی به علت بي‌خبری از شیوه‌های دیگر زندگی و دومی علی‌رغم با خبر بودن از آن شیوه‌ها به شیوه سنتی زندگی می‌کند. دومی شیوه زندگی سنتی را خودش آگاهانه برگزیده است، ولی اولی این شیوه را دریافت کرده است. اولی منفعل و ناآگاه است، و دومی فعال و آگاه. البته میزان آشنایی با شیوه‌های دیگر زندگی و میزان آزمودن آنها نیز در میان سنت‌گرایان یکسان نیست، ولی، به هر حال، آنچه سنتی را از سنت‌گرا جدا می‌کند همین آگاهی از دیگراندیشی‌هاست. انسان سنتگرا، انساني است که مي‌گويد وقتي جهان را مي‌بينيد که مطابق ميل شما نيست، خودتان را عوض کنيد و در طلب تغيير جهان نباشيد. وقتي جان و جهان با هم نمي‌سازند، جان را بايد دگرگون کرد نه جهان را (ملکیان، ۱۳۷۹: ۲۰).

## ۲. اندیشه سیاسی سنت‌گرائی

۱-۲. سنت‌گرائی رنه گنون: نوسنت‌گرایی خود را وامدار مکتب فکری سنت‌گرائی می‌داند. سنت‌گرایی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام





[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

گونه‌ای از نگاه دینی در تاریخ ایران و اسلام است که عمدتاً در نقطه مقابل اندیشه‌های تجددگرایانه قرار دارد. به بیانی دیگر به‌زعم حسین نصر سنت‌گرائی متعارف بیشتر گونه‌ای از اسلام فقاهتی بود که متعاقب انقلاب اسلامی ایران در هیأتی سازمان یافته و با ابزار قدرت سیاسی پا به عرصه ظهور نهاد( نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۵ - ۴۳۶). سنت‌گرایان نسبت به کلیت اندیشه غرب و هبوط معنوی آن منتقد بوده و غرب متجدد را انحرافی از فرهنگ اصیل انسانی دانسته است؛ هبوط از خردي جهاني و جاودانه که در سنت‌هاي مهم ماقبل مدرن از هندوئیسم، بودائیسم و تائوئیسم شرق گرفته تا ادیان پر رمز یونان باستان و دودمان‌هاي فکري در یهودیت، مسیحیت و اسلام قابل ردیابی است.

از دیدگاه نصر، رنه گنون از نخستین سنت‌گرایاني است که به تحلیل دنیاي متجدد پرداخته است. وي در کتاب خویش محورهای اساسی سنت‌گرایی با قرائت گنون را مورد بحث قرار داده است و البته نیم نگاهی نیز به نقد آنها دارد. نخست، به نظر او سنت‌گرایی برداشتی کاملاً زمینی و عینی از ماهیت علم و معرفت ارائه می‌دهد که به‌زعم نصر این برداشت موجب شده تا چهره آسماني و ملکوتي دانش از میان برود. دوم سنت‌گرایی برداشتی فردپرستانه با محور قرار دادن انسان یا اومانیسم را ارائه داده است که با رویکرد خدامحورانه مد نظر نصر فاصله دارد. سوم ، سنت گرایی دیدگاه منسجمی نسبت به جامعه و جهان ارائه نمی دهد و از این زاویه شبیه هرج و مرج اجتماعي مکنون در اندیشه تجدد است. دنیاي مدرن گرفتار این تناقض آشکار است که انسان‌هاي مدرن از سویي همواره دم از آزادي، مردم سالاري، و این گونه امور مي‌زنند و مي‌گویند: آینده را ما رقم می‌زنیم و از دیگر سو مدرنیست‌ها بر این نکته پاي مي‌فشارند که ما مجبوریم هر چیزي را بر اساس زمانه تغییر دهیم. آنها معتقدند چون ما در سده بیست و یکم و نه در سدة سیزدهم به سر مي‌بریم نمي‌توانیم اعتبار هیچ نهاد مقدس، دیدگاه یا چیزي را مسلم بگیریم (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۳).

۲-۲. سنت‌گرایی و ساخت سیاسی شاهنشاهی: نصر در تاریخ کمبریج به شرح ارتباط علما و سلاطین صفویه به عنوان یکی از وجوه اندیشه سنت‌گرایی پرداخته است و نسبت نهاد دین و نهاد سلطنت را نمایان ساخته است. به‌زعم او هر کسی که در مکتب تاریخ ایران شاگردی کرده باشد، می‌داند که از دوره صفویه تا سال ۱۹۷۹ میلادی پیوندهایی میان تشیع و سلطنت در ایران وجود داشته است و لذا صفویان، زندیان و قاجاریان همه بر همین پایه بوده‌اند. درواقع برای اولین بار صفویان بودند که در تاریخ اسلام، یک مملکت شیعه دوازده امامی را تأسیس کردند و سنت اسلامی را می‌توان از دوره آنها در تاریخ ایران ردیابی کرد(نصر، ۱۳۹۳: ۳۰۶).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

نصر یکی از وجوه سنت‌گرایی را نزدیکی سنت سیاسی اسلام به سنت حکومت شاهنشاهی در تداوم سنت ایران باستان می‌داند. او در توضیح تمایل شخصی‌اش به نظام سلطنتی در قیاس با نظام جمهوریت می‌گوید: کلمه جمهوریت برگرفته از کتاب جمهور افلاطون است. جمهوریت افلاطونی در کاربرد اصلی و کلاسیک آن (Republic) به معنای قلمرو عمومی ( جامعه و سیاست) است نه نوع خاصی از حکومت، چراکه حتی خود افلاطون در کتابش دموکراسی را بدترین نوع حکومت می‌داند و حکومت ملک- فیلسوف را بهترین نوع حکومت می‌داند. نصر معتقد است که توده مردم خیلی متوجه این نکته نیستند ولی افرادی مانند او که پیرو تفکر سنتی هستند، همواره مدافع نهادهای سنتی اعم از دینی و سیاسی در تمدن‌های سنتی بوده اند. در اروپا جمهوریت به معنای افلاطونی ظهور نکرد، بلکه به صورت یک نهضت افراطی ضد دینی همزمان با انقلاب فرانسه به ظهور رسید. طبعاً افرادی مانند نصر که طرفدار سنت و تفکر سنتی بوده‌اند، با این جریانات به علت جنبه قوی ضد دینی آن، با این تعبیر از حکومت که با انقلاب فرانسه شروع شد، مخالفند. البته او باور دارد که این برداشت از جمهوریت را نباید به حکومت کنونی در ایران تسری داد. این حکومت اگر چه نام جمهوری را در خود دارد، تا حدی منطبق با معنی افلاطونی است، نه معنی سکولار آن که با انقلاب فرانسه رخ داد و تثبیت شد. این نکته مهمی است و ناقدان بدون توجه به آن مدام می‌گویند که نصر مخالف جمهوری است. او خود معتقد است که او مخالف جمهوری به معنای افلاطونی کلمه نیست، بلکه مخالف آن گونه از جمهوری است که با انقلاب فرانسه زاییده شد و به هر کجا که رفت دین و سنت را تضعیف کرد(نصر، ۱۳۹۳: ۳۰۶-۳۰۷).

### ۳. اندیشه سیاسی نوسنت‌گرایی

جریان نوسنت‌گرایی متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. سیدحسین نصر پیشگام این جریان فکری در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، برای افتتاح نمایشگاه هنر ایرانی در توکیو، به ژاپن سفر کرده بود و در زمان حضور او در خارج از کشور، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و پس از آن، وی به ایران بازنگشت. نصر از امام خمینی به نیکی یاد کرده و بر آن بود که شهرت و نفوذ سیاسی آیت‌الله خمینی مانع از آن شد تا بسیاری از مردم در جهان غرب و حتی در خود جهان اسلام خارج از ایران، آثار عرفانی و جایگاه رفیع او در تاریخ عرفان نظری را درک کنند. او البته بر آن است که برای بسیاری جالب و شگفت آور است که آیت‌الله خمینی در اوایل عمر به عرفان نظری و عملی یعنی ریاضت و عزلت و ترک دنیا تأکید می‌کرد، درحالی‌که در سال‌های پایانی عمر به‌طور جدی وارد سیاست و ریاست حکومت شد(یوسفی،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

۱۳۸۵: ۱۹۱). نصر در ادامه، تحلیلی از سلوک معنوی آیت‌الله خمینی و سفرهای چهارگانه عرفانی او ارائه می‌کند و ایشان را متأثر از فضای عرفانی می‌داند. به‌رغم این نگاه، نصر نظام فقاهتی امام خمینی را مورد نقد قرار داده و عمدتاً نه اصل اسلام سیاسی بلکه شکل حکومت را مورد نقد قرار می‌دهد. نوسنت‌گرایان نمی‌پذیرند که همه قدرت از خداوند گرفته شده و به مخلوق او داده شود چراکه چنین جامعه‌ای را دیگر جامعة اسلامی نمی‌دانند (نصر، ۱۳۹۳ : ۳۰۹). درست است که مردم حق دارند و خداوند به آنان آزادي و اراده عطا فرموده، اما آنها نمی توانند به حقوق الله تعدي کنند. نصر که به حاکمیت اسلام فقاهتی بر جامعه اسلامی انتقاد دارد، رویکرد جدیدی را معرفی می‌کند که اندشیه سیاسی نوسنت‌گرایی بر پایه آن قرار دارد و آن سلطنت اسلامی است.

### ۳-۱. مؤلفه‌های نوسنت‌گرایی

پایه و اساس اندیشه نوسنت‌گرایی بر دو اصل مخالفت با مدرنیته و سلطنت اسلامی استوار است. این مکتب پدیده جدید اسلام فقاهتی که در رأس جامعه قرار گرفته را مورد نقد قرار می‌دهد چرا که معتقد است اسلام فقاهتی به دلیل عدم تخصص در زمینه سیاست و حکومت، به مشکلات جدی برخورد می‌کند و خود، جامعه و اسلام را دچار مشکل می‌کند. برخی از مهمترین مؤلفه های نوسنت‌گرایی از این قرارند:

تکیه بر حکمت خالده: حکمت خالده یا جاویدان خرد، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است که در قلب همه سنّت‌ها، از ودانتا و بودیسم گرفته تا کابالا و مابعدالطبیعه سنّتی مسیحی یا اسلامی، جای دارد و عالی‌ترین یافته حیات آدمی است. این دیدگاه بر آن است که نوعی امر ثابت وجود دارد که گوهر همه ادیان و سنّت‌هاست و با تغییرات زمانی و مکانی تغییر نمی‌کند. آنچه که تغییر می‌کند، صورت یا بیان الهیاتی آن است. بنابراین، اصحاب حکمت خالده معتقدند که این حکمت باید خود را با زبان متجددانه از نو تنسیق کند تا بتواند بیانگر حقیقت مطلق باشد.

نقد تجدد غربی: برداشت سنت‌گرایان از مدرنیته اغلب متناقض است؛ گاهي با دستاوردهاي مدرنیته و علم مدرن مخالفتی ندارند و گاهي کل مدرنیته و اصول آن را کاذب تلقي مي‌کنند. سیدحسین نصر اما، نقد تمدن مدرن را اساس تفکر سنتي دانسته و وظیفة نخست اهالی سنت‌هاي معنوي و دیني را نقد مدرنیسم معرفی می‌کند (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۰). نوسنت‌گرایي بر آن است که عقل تنها از بخش کوچکي از جهان هستي خبر مي‌گیرد و بخش بزرگ‌تر و مهم‌تر جهان هستي را نمي‌توان با اتکاي به عقل شناخت.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

لذا در نظر نوسنت‌گرایان تنها اندکی از جهان هستی با نیروی عقل قابل شناسائی است، اما بخش اعظم این جهان را باید ازطریق رجوع به سنت شناخت. لذا خودبسندگي عقل امری ناموجه بوده و عقل در کنار سنت مکی تواند کارآمد باشد. آن‌هم نه کنار هم بودن دو موجود هم تراز، هم عدل و هم‌سنگ، بلکه دو موجودي که یکی تفوق فاحش بر دیگری دارد.

گرایش به عرفان نظري: نوسنتّ‌گرائی عنایت ویژه‌ای به عرفان نظري داشته ولی عرفان عملي را درگیر دو آفت می‌داند: اول، اینکه در این عرفان معرفت از منزلت شایسته‌ای برخوردار نیست و به جای آن بیشتر بر عواطف و احساسات تکیه می‌شود. دوم، عرفان عملي با فضل فروشي اخلاقي توأم است. در اندیشه عرفانی هدف نهایي، آراستگي به فضایل اخلاقي است، درحالي‌که اعمال مقدمه اخلاق است، و اخلاق مقدمه‌اي است براي معرفت و باز شدن چشم دل آدمي و سیر در عالم ملکوت و رسیدن به مرحله کشف و شهود. چه آن کسی که در این جهان چشم دلش کور باشد، در سراي باقي کورتر و گمراه تر خواهد شد.

پذیرش وحدت متعالي ادیان: وحدت متعالي ادیان نام اولین اثر شوان هست که در آثار نویسندگان نوسنت‌گرا به همراه عناوین دیگری همچون وحدت درون و کثرت برون، کثرت‌گرایی باطنی ادیان و ... حاکی از پلورالیسم خاص این دیدگاه است. ادعای اصلی نظریه وحدت متعالیه ادیان این است که : اولاً، همه ادیان بزرگ و ماندگار در جهان سرچشمه الهی دارند. ثانیاً، با وجود اختلافات ظاهری از وحدت باطنی برخوردارند. ثالثاً، حکمت جاویدان در همه آنها محقق است(نصر، ۱۳۹۳: ۷۳).

### ۳-۲. نوسنت گرایی و مدرنیته

مدرنیته به عنوان جریان حاکم بر غرب جدید در زمینه‌های فکری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و..که با اصالت دادن به عقل بشری و آزادی‌های او همه امور طبیعی، ماوراء طبیعی، ارزش‌ها و... را با منطق انسان‌مدارانه تحلیل کرده و همه پدیده‌های مغایر با خود شامل دین، آداب و رسوم، و سایر سنتها را نفی می‌کند(مشکی،۱۳۸۵: ۱۸۵)، در صف نخست انتقادات نوسنت‌گرایان و به‌ویژه نصر قرار دارد. به‌زعم نصر، دوران کنونی دوران جاهلیت نوین است که بت‌های مکاتب باطل آن باید از بین بروند. انگیزه اصلی مخالفت سنتگرایان با تجدّد، احساس تعهد به حقیقت سنتی و خیرخواهی برای انسان بوده و نقد مدرنیته بر اساس اصول مابعدالطبیعی و دینی عملی متناسب با فضایل اسلامی است. به همین دلیل است که او کارویژه نخست اصحاب سنتهای معنوی و دینی مانند اسلام را نقد مدرنیسم می‌داند (نصر،۱۳۸۵: ۳۰۰؛ نصر، ۱۳۸۳: ۲۸۴ و ۲۸۵؛ نصر، ۱۳۸۱: ۱۸۱). اینکه بسیاری از کشورهای شرقی و اسلامی از



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

سرنوشت غرب عبرت نگرفته و اشتباه آن را تکرار میکنند، نصر را نگران کرده و می‌گوید "فاجعه عالم شرق به‌ویژه اسلام این است که همان خطاهای دنیای غرب را تکرار میکند"(نصر،۱۳۸۳: ۴۳).

از اینرو، او از تلاش روشنفکران مسلمان برای سازگار نشان دادن اسلام و غرب سخت دلگیر است، به همین خاطر او روشن فکران نیمه متجدد مسلمان را فاقد اصالت فکر و تسلیم در برابر تفکر ضددینی غرب میداند. هرچند نصر مخالفتی با تحول و دگرگونی در سبک زندگی فردی و اجتماعی ندارد، اما برآن است که این تغییرات باید بر اساس اصول سنتی انجام شود (نصر،۱۳۸۳: ۲۸۶). نصر می‌پرسد اگر قرار است ما با زمانه عوض شویم زمانه باید با چه چیزی عوض شود؟ در پاسخ می‌گوید درست است که تغییرات اجتماعی مستقل از ما نیست که ما بخواهیم با آن عوض شویم، ولی انسان آزاد است و می‌تواند سرنوشت خود را عوض کند. لذا باید زمانه را با سنت‌های خود سازگار کنیم، نه برعکس. تغییرات اجتماعی امری طبیعی است، ولی نباید مانند اسبی بی اراده دنبال این تغییرات و بر محور آن دوید (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۲-۳۰۱).

باری، نصر رویکرد صرفاً انسان‌مدارانه و بریده از مناسبات ماوراءالطبیعی و الهیاتی غرب را در قالب مفهوم جاهلیت مدرن مورد نقد قرار داده است. علاوه بر این او روشنفکران کشورهای شرقی و اسلامی را به دلیل متابعت از سبک زندگی غربی و کوشش برای سازگار نشان دادن اسلام با غرب مورد سرزنش جدی قرار می‌دهد. او البته از سوئی بیش از چهل سال از زندگی خود را در کانون اندیشه غربی گذرانده و از سوی دیگر زندگی در فرهنگ غربی و مبتنی بر آن سبک زندگی را مورد نقد قرار داده و بر سبک زندگی شرقی و اسلامی تأکید دارد. بعضی از منتقدان نصر این را مهمترین نقد بر او می‌دانند که او درست در جایی به نقد غرب می‌پردازد که حیات فکری و اجتماعی خود را از آنجا گرفته و بر سبکی از زندگی تأکید می‌کند که سال‌هاست از آن فاصله گرفته است.

### ۳-۳. نوسنت‌گرایی و اسلام فقاهتی

سنت‌گرایی فقاهتی با پشتوانه‌ی امام خمینی و روحانیت به عنوان قدرتمندترین گفتار در دوره جمهوری اسلامی مطرح شد. این دیدگاه به‌تدریج نشانه‌ها و مفاهیم خود را در یک مناظره سخت و در رویارویی با گفتمان‌های دیگر تثبیت کرد. مفهوم‌هایی چون جمهوری اسلامی، حاکمیت فقه و ولایت فقیه، اجتهاد و تقلید، حجاب بانوان، تعهد، اسلامی‌کردن جامعه، دانش و دانشگاه، آزادی محدود به شریعت، اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی، امت‌گرایی در برابر ملی‌گرایی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

انقلاب و دشمنی با آمریکا و اسرائیل به‌عنوان نماد کفر، به‌تدریج برجسته شدند و نمودهای گفتمانی آن را شکل دادند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶ : ۲۲۵).

در برابر این رویکرد مسلط و در جهت نقد محورهای اساسی سنت‌گرائی فقهی، جریان نوسنت‌گرایی ظهور کرد. به نظر نصر حکومت کنونی ایران تنها حکومتی است که در طول تاریخ اسلام، در آن حکومت دینی با حکومت طبقه روحانی همراه بوده است، هرچند این نخستین بار نیست که در ایران دین و سیاست با هم در می‌آمیزند، بلکه پادشاهان ایران نیز افرادی بی‌دین نبوده و حتی خود را حافظ و نگهبان دانسته اند. در قانون اساسی سال ۱۹۰۶ دوره انقلاب مشروطه نیز سلطنت را موهبتی خدادادی دانسته است(نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۵ - ۴۳۶). با این اوصاف نصر موافق دخالت علما در سیاست نیست. او علمای صوفیه را به عنوان نمونه‌ای از اصحاب شریعت یاد می‌کند که به‌رغم آگاهی از شریعت، هرگز در جامعه اسلامی طبقه ممتازی را تشکیل ندادند و مانند بقیه مردم عضوی از جامعه‌ای بودند که مردان و زنان از همه اقشار در آن زیست می‌کنند(نصر،۱۳۸۵: ۲۱۹).

او برای تقویت استدلالش به سبک زندگی بنیانگذاران دین اشاره کرده و آنها را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروهی مانند مسیح و بودا که به بریدن از دنیا و پیشی گرفتن زندگی معنوی توصیه می‌کنند. هر دوی آنها جوامعی معنوی ایجاد کردند که از شرایط سیاسی و اجتماعی برکنار بود. اما گروه دیگر، مانند حضرت موسی، داوود، سلیمان و حضرت محمد(ص) از ادیان ابراهیمی و راما و کریشنا از آیین هندو، وارد پیچ و خم زندگی معمولی انسان می‌شوند تا آن را تغییر یا تقدیس کنند. نصر با تمرکز بر سلوک عملی پیامبر اسلام، ایجاد تعادل در زندگی پیامبر را مقدمه‌ای برای تسلیم در برابر حق دانسته و می‌نویسد: او به لحاظ درونی اهل مراقبه بود، اما به لحاظ بیرونی، ناگزیر از رویارویی با هر وضعیتی بود که ممکن است برای هر انسانی پیش آید... او که تنهایی و مراقبه را دوست می‌داشت، اصلاً از رسیدگی به کارهای مردم، با همه لغزش‌ها و کاستی‌هایشان، شانه خالی نمی‌کرد. او باید بر کل جامعه نظارت می‌کرد و هرگاه میان دو طرف شکایتی رخ می‌داد، به موضع قضا می‌نشست. می‌توان رسالت او را همانا قداست‌بخشی به همه زندگی و برقراری تعادل در زندگی بشری دانست که زمینه‌ساز تسلیم و فانی شدن در پیشگاه حق متعال است" (نصر،۱۳۸۵: ۴۹).

او دو قطب اصلی مورد انتقاد خود یعنی تجدد و اسلام سیاسی را همزمان مورد انتقاد قرار داده و بر آن است که نباید دچار این اشتباه شد که اسلام فقاهتی با از بین بردن نهاد سلطنت، تجددگرایی را در ایران از بین برد بلکه جریان در مجرایی دیگر تداوم پیدا کرد... بنابراین، با تغییر ظاهر نهادهای سیاسی نمی‌شود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

این تحول را ایجاد کرد. نصر در همین ارتباط ابراز می نماید: "من انتظار داشتم بعد از انقلاب اسلامی ما برگردیم به لباس سنتی خودمان، این کار را نکردیم، برگردیم به شهرسازی و معماری سنتی خودمان که فضای هر روزه حیات انسان‌ها را تعیین می‌کند، نکردیم. بر عکس هر چه باغ بود در تهران خراب کردیم، ساختمان‌های سی طبقه ساختیم و خیلی چیزهای اساسی که اصولاً نحوه زندگی افراد را در بر می‌گیرد. حالا مسئله ماشین و ترافیك و دود و آلودگی هوا و تمام برکات فناوری جدید را می‌گذاریم کنار، ولی نظر من این بود. به همین جهت من تمام نیرویم را متمرکز کردم روی مسائل معنوی و فلسفی و عرفانی و پاسخگویی به این نوع اندیشه از غرب آمده" (نصر،۱۳۸۵: ۴۹). این گفته‌های نصر تأثیر جدی بر نوع نگاه او به جامعه سیاسی و حکومت مطلوب او دارد. جامعه سیاسی مطلوب او جامعه‌ای است که در آن سنت‌ها با تمام معنا حاکمیت داشته باشند و در تك تك ابعاد جامعه نهادهای سنتی و سنت مستقر باشد و مادی‌گرایی کنار گذاشته شود.

### ٤-٣. نوسنت‌گرائی و حکومت دینی

به‌زعم نصر از آنجا که پیوند دین و سیاست در ایران و جهان امر بدیعی نیست و لذا سخن از جدایی امر معنوی از اقتدار دنیوی یا دین و دولت نیست، بلکه مسئله این است که چه کسی باید قدرت سیاسی را به دست بگیرد؟ به نظر او حکومت روحانیون در ایران پدیده تازه و بی‌سابقه‌ای است. درگذشته، نهایت حکومت دینی، حکومت طوایف متصوفه‌ای مانند صفویه در ایران و سنوسیه در لیبی بوده است. اما در عالم تسنن و تشیع روحانیون هرگز در مقام یک طبقه مستقل حکومت را در دست نداشته‌اند(نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۷). به‌زعم نصر حکومت اسلامی ضرورتاً به معنی حکومت روحانی نیست مانند پاکستان که جمهوری اسلامی است ولی حکومت در دست نظامیان است. در ترکیه نیز که حکومت در دست سکولارهاست، اغلب مردم دیندارند و در زندگی خصوصی و عمومی خود با دین سر و کار دارند. از این رو جامعه هنوز سکولاریسم تحمیلی از سوی دولت را نپذیرفته است ( نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۹). نصر در دفاع از شیوه حکومت سلطنتی و تعریض به حکومت در ایران پس از انقلاب می‌نویسد: "مهم‌ترین نکته در اینجا همین است که تعالیم سنتی اسلام را در باب سلطه سیاسی بشناسیم و باز هم آنچنان زیاده آرمان‌گرا و غیرواقع‌بین نباشیم که همچون اغلب موارد، آنچه را که نیمه خوب است، به امید دستیابی به یک بدیل کامل ویران کنیم، ولی دست آخر چیزی را به جای آن بنشانیم که خیلی کمتر از مورد نیمه خوب سابق، کامل است و بسیار کمتر از آن با ارزش‌های سنتی اسلامی سازگاری دارد."(نصر، ۱۳۸۴: ۳۵۲- ۳۵۴).



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

با این حال، نصر در مقاله "عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آنها در دوران کنونی" (۱۳۵۸) کوشید انقلاب آیت‌الله خمینی را در چارچوب عرفان اسلامی توضیح دهد. او ضمن اشاره به تاریخچه سنت عرفان نظری، توجهات را معطوف به جمعی می‌کند که او بین عرفان شیعی و عرفان ابن عربی قائل است و کلید معمای ورود یک انسان اهل عرفان را به عرصه سیاست، بیش از هر چیز در مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق جستجو می کند که ملاصدرا در آغاز اسفار اربعه به آن پرداخته است. در ادامه، این برداشت را در فعالیت‌های حسن البنا، بنیان‌گذار جنبش اخوان المسلمین مصر، و ابوالعلا مودودی، بنیان‌گذار جماعت اسلامی پاکستان، نیز قابل ردیابی می‌داند. بدین‌سان وی اهمیت سنت عرفانی را در شناخت تحولات گوناگون جوامع اسلامی به‌ویژه ایران برجسته می‌کند.

باری حسین نصر سلطنت را کم‌نقص‌ترین شکل حکومت در دوران غیبت امام زمان(عج) می‌داند و مایل است این امر را به مثابه باور تشیع بشناساند. درحالی‌که این باور ارتباطی با شیعه ندارد. حتی به نظر می‌رسد که مخالف او با حاکمیت اسلام فقاهتی برخلاف انتظار مخالفتی علمی و مبتنی بر استدلال‌های متقن نیست بلکه بیشتر ماهیت سیاسی دارد. در مجموع نظریه سیاسی نصر را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. نخست، نگاه نوسنت‌گرایان به سیاست مبتنی بر واقع گرایی که در عالم تسنن، در نظریه خلافت و پس از آن، سلطنت را به رسمیت می‌شناسد. این برداشت معتقد است که در زمان حاضر با وجود یکی از دو نهاد سلطنت و خلافت، نباید سراغ شکل جدیدی از حکومت رفت، حتی اگر آن حکومت توسط پیشوایان اصلی اهل سنت رهبری شود. دوم، نوسنت‌گرایان ازسوئی نسبت به تنزل جامعه و تخریب نهادهای سنتی و جایگزین کردن آن با نهادهایی با منشأ غربی هشدار می‌دهند و از سوی دیگر، معتقدند برای اسلامی کردن و احیای جامعه صدر اسلام به‌جای تکیه بر ظواهر و ساختارها باید به تقویت ایمان قلبی و شخصی آحاد جامعه، همت گماشت.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

## نتیجه‌گیری

این مقاله برای ارائه پاسخ معتبر به این پرسش طراحی شد که "خاستگاه جریان فکری نوسنت‌گرایی و اندیشه سیاسی برجسته‌ترین متفکر آن، سیدحسین نصر، را با توجه به منطق فلسفی او چگونه می‌توان بازنمایی کرد؟ " با علم به وجود عناصر مختلف در اندیشه نوسنت‌گرایی، ما پاسخ خود را بر این فرضیه استوار کردیم که "خاستگاه نوسنت‌گرایی نصر در نظریه حکمت خالده تبلور یافت و اندیشه سیاسی او در قالب ضدیت با تجدد ازسویی و نقد اسلام سیاسی از سوی دیگر بازنمایی شده است." برای آزمون فرضیه، ما ساختار مقاله را به سه قسمت تقسیم کردیم. در قسمت نخست به تعریف سنت و سنت‌گرایی بر اساس متون متقن پرداختیم. در قسمت دوم سعی کردیم خاستگاه و مختصات عمومی و نوع نگاه جریان فکری سنت‌گرایی به اندیشه سیاسی را بحث کنیم. در قسمت سوم مختصات عمومی، خاستگاه و اندیشه سیاسی مکتب نوسنت‌گرایی را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار دادیم. اینک در مقام نتیجه‌گیری به نکات زیر اشاره می‌کنیم.

۱. سیدحسین نصر پس از انقلاب اسلامی در ایران و حکمرانی علما و روحانیون بر مردم، این نکته را گوشزد می‌کند که اگر فقهای دین نتوانند آنچنان حکومت کنند که سعادت آنها را به ارمغان آورد، مردمی که در دین‌داری و پایبندی به سنت، سابقه هزار ساله داشته اند ناگهان دین گریز خواهند شد، زیرا توقعی که مردم از حکمرانی مذهب بر جامعه دارند متفاوت از حاکمیت دیگر حکومت‌ها است. در اینجا هر خطایی که از سوی رهبران جامعه رخ دهد، به پای دین گذاشته می شود و هرچه این حکومت ضعیف‌تر باشد، دین به انزوا کشیده می‌شود و حتی ممکن است برخی سنت های ریشه دارد کم رنگ شوند.

۲. نصر بازگشت به نوعی از سنت گرائی را در نظر دارد که با بسیاری از تحولات دنیای مدرن در تعارض است چنانچه او بر آن است که من انتظار داشتم بعد از انقلاب اسلامی ما برگردیم به لباس سنتی خودمان، این کار را نکردیم. برگردیم به شهرسازی و معماری سنتی خودمان که فضای هر روزه حیات انسان ها را تعیین می کند، نکردیم. بر عکس هر چه باغ بود هم بود در تهران خراب کردیم، ساختمان های سی طبقه ساختیم و خیلی چیزهای اساسی که اصولا نحوه زندگی افراد را در بر می گیرد. حالا مسئله ماشین و ترافیك و دود و آلودگی هوا و تمام برکات فناوری جدید را می گذاریم کنار، ولی نظر من این بود. به همین جهت من تمام نیرویم را متمرکز کردم روی مسائل معنوی و فلسفی و عرفانی و پاسخگویی به این نوع اندیشه از غرب آمده است. چنین نگاهی به جامعه مدرن قدری عجیب به نظر می‌رسد. این ساخت معماری و شهر سازی متأثر از رشد جامعه و گسترش شهرنشینی در همه دنیا اجتناب ناپذیر بوده است.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

به طوری که ساخت معماری و شهرسازی ممالک توسعه یافته به همین صورت است. چگونه می‌توان در دنیای امروز زیست در حالی‌که سبک ساخت و ساز و معماری با توجه به گسترش جمعیت از سوئی و کمبود زمین از سوی دیگر به همان سبک و سیاق سنتی باشد.

۳. نوسنت‌گرائی نگاهش به دولت نیز کاملاً برگرفته از همان الگوی قدیمی و سنتی است. این مکتب ساخت دولت را عمدتاً در قالب همان الگوی سلطنت و نهایتاً سلطنت اسلامی مطرح می‌کند. به‌زعم نصر حکومت سلطنتی به معنای حکومت دیکتاتوری، استبدادی و خفقانی که در ذهن مردم وجود دارد، نیست بلکه نوعی حکومت مردم سالاری است که در رأس حکومت شخصی قرار دارد که نماینده دین نیست بلکه نماینده تمام اقشار جامعه، ولی حافظ و پاسدار دین است. در کنار این سلطان علمایی هستند که به مشاوره در زمینه مذهب می‌پردازند و به صورت غیرمستقیم در جامعه ایفای نقش می کنند. بدین ترتیب او با نقد نظام سیاسی مدرن، دفاع از سنت‌ها و دفاع از معرفت یا علم قدسی "حکومت سلطنت دینی" را به عنوان بهترین نوع حکومت مطرح می کند که نه تنها حافظ دین و شریعت، بلکه پاسدار سنت هایی است که فراموش شده و یا در حال از میان رفتن است. با توجه به نماتی که در بند بالا اشاره شد، تحولات دنیای مدرن نه تنها در عرصه‌های مختلف جمعیتی، شهر سازی و... موجب تحول شده است بلکه در مورد ساخت قدرت نیز تحول ایجاد کرده است. طبعاً ساخت قدرت نیز نمی‌تواند همچنان پادشاهی باقی بماند بلکه حضور توده‌های مردم تحول ساختار سیاسی به ساختارهای جمهوری را اجتناب ناپذیر کرده است.

۴. در ادامه این ساخت قدرت مد نظر او، او جایگاه متفاوتی برای علما، روحانیون و حافظان دین قائل است. از نظر او آنان در موقعیتی قرار می‌گیرند که سلطان را در امور حاکمیتی هدایت و مشاوره می‌دهند، لذا هرگاه حاکم و جامعه در مسیر به انزوا کشاندن دین، سنت و فرهنگ جامعه حرکت کنند، علما و فقها با رهنمودهای خود جامعه را از آن مسیر انحرافی خارج می‌کنند و به صراط مستقیمی که خداوند مد نظر دارد باز می‌گردانند. از آنجا که سیاست پدیده‌ای است که انسان را به فساد می‌کشاند، اگر فردی غیر از فقیه در رأس حکومت باشد و به فساد کشیده شود، مردم این انحراف حاکم را پای هوای نفس فرد می‌گذراند و روحانیت می‌تواند آن فرد را کنار گذارده و فردی دیگر را به عنوان سلطان معرفی کند. اما اگر عالمی که پاسدار دین و شریعت است، در رأس حکومت قرار بگیرد و قدرت، حاکم را به فساد بکشاند، مردم جامعه این فساد را علاوه بر فرد، به دین، آیین و شریعت نسبت می‌دهند و از آن روی می‌گردانند و از آنجا که نصر معتقد است دین امری قدسی و فرستاده خداوند توسط پیامبران است، باید راویان دین و علمای آن از این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

گونه فساد به‌دور باشند تا وجه جاودانی و آسمانی دین مخدوش نشود. بنابراین نصر از نوعی نظام سیاسی سکولار و غیردینی حمایت می‌کند که عالمان روحانی نقش انذار و هشدار دهنده را بازی می‌کنند تا سلطان غیردینی اما حافظ دین راه فساد را در پیش نگیرد. اگر این حاکم در مسیر انحراف قرار گرفت، ابعاد و مختصات انحراف او را برای مردم بازگو کرده تا مردم به سوی تغییر حاکم حرکت کنند.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

## منابع

### فارسی


اصلان، عدنان (۱۳۸۵)، پلورئالیسم دینی، ترجمه انشاا... رحمتی، تهران ، نقش جهان.

اعوانی، غلامرضا (۱۳۸۲)، در معنای سنت، مجموعه مقالات همایش نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان معاصر، دانشگاه تهران و موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی تهران.

افشارکهن، جواد (۱۳۸۳) ، بازخوانی جامعه شناسی سنت گرایی و تجدد طلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران، آوای نور.

حائری یزدی، مهدی (۱۳۷۳)، حکمت و حکومت، لندن، انتشارات شادی.

حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۷۹)، علما و مشروعیت دولت صفوی، تهران، انتشارات انجمن معارف اسلامی.

خندق آبادی، حسین (۱۳۸۰)، نگاهی به زندگی آثار سنت گرایان، حکمت جاویدان، تهران، موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.

دین پرست، منوچهر (۱۳۸۳)، سیدحسین نصر دلباخته معنویت، تهران، انتشارات کویر.

رحیمی سجاسی، داوود و عطوفی، طاهره ، "بررسی نظریه سنت رنه گنون؛ سنت به مثابه دال محوری،" فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، پائیز ۱۳۹۳، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱۲۰-۱۴۱

شایگان، داریوش(۱۳۸۶)، سنت به وقت مدرن ، نشریه شهروند امروز.

شوان، فریتیوف(۱۳۸۳)، اسلام و حکمت خالده، ترجمه فروزان راسخی، تهران، هرمس.

عنایت، حمید(۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.

فیرحی، داوود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نی.

کدیور، محسن(۱۳۸۷)، نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران، انتشارات نی.

لگنهاوزن، محمد، چرا سنت‌گرا نیستم، ترجمه منصور نصیری، کتاب خرد جاویدان، انتشارات دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۲

مجلسی، محمد باقر(۱۳۷۰)، رساله آداب سلوک با رعیت، در بیست رساله فارسی؛ تصحیح: سید مهدی رجایی؛ قم، کتابخانه آیت االله مرعشی.

محمدی، عبداله (۱۳۹۱)، نصر، سنت، تجدد بررسی زندگی و افکار سید حسین نصر، تهران، کانون اندیشه جوان.

مشکی، مهدی ( ۱۳۸۵) ، دین در نگاهی نوین، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) .

ملکیان، مصطفي(۱۳۷۹)، درسگفتارهاي سنت گرايي تجددگرايي پسا تجددگرايي، تهران، نقدو نظر.

موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۳۸۰)، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مهدوی، منصور (۱۳۹۲)، دولتمرد چهارم: زیست نامه و اندیشه سیاسی سید حسین نصر، قم، اشراق حکمت.

نصر، سید حسین (۱۳۸۱)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاا... رحمتی، تهران، سهروردی.

نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، قلب اسلام، ترجمه مصطفی شهر آئینی، بازنگري شهرام پازوکی، تهران، حقیقت.

نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، اسلام و تنگنا های انسان متجدد، ترجمه انشاا... رحمتی، تهران، سهروردی.

نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، جوان مسلمان و دنیاي متجدد، ترجمه مرتضی اسعدي، تهران: طرح نو.




[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]

نصر، سید حسین (۱۳۸۵)، در جستجوی امر قدسی، گفت وگوي رامین جهانبگلو با سید حسین نصر، ترجمه مصطفي شهرآیینی، نشر نی ، تهران.
نصر، سید حسین (۱۳۹۲) ، آرمان ها و واقعیت هاي اسلام، ترجمه انشا ا... رحمتی، تهران: سوفیا.
-نصر، سید حسین (۱۳۹۳)، دین و نظام طبیعت، ترجمه انشاا... رحمتی، تهران، نی.
یوسفی، حامد (۱۳۸۵)، تحلیل سید حسین نصر از حرکت امام خمینی، روزنامه اطلاعات، ضمیمه حکمت و معرفت، مندرج در : آیینه اندیشه، شماره ۶.

## انگلیسی

Lacan, J. (1987), The seminar. Book 1. Freud's Papers on Technique,1953-4, Miller, J. A. (ed), trans. With notes J. Forrester, Cambridge University Press.

Nasr, Seyyed Hosein (1980), 'In Quest of Eternal Sophia', in Philosopher Critiques D'eus Memes- Philosophische Selbstbetrahtungen, ed, Ander Mercier and suilar Maja, Vol.

Nasr,Seyyed Hossein(1988), Knowledge and the Sacred, Lahore, Suhail Academey.

Schuon frithjof(1955), Transfiguration of Man, Bloomington, World Wisdom Books, inc.

Schuon frithjof(1984), Light on the Ancient Worlds, L.Northbourne (iran) , World Wisdom Books.

**به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:** DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۴۰۳

منصف، حسین؛ احمدوند، شجاع (۱۴۰۲)، «درآمدی بر اندیشه سیاسی نوسنت‌گرایی :قرائتی از سید حسین نصر» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۴، زمستان۱۴۰۲، صص ۷۲-۵۳.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]